

## تمایز جرم سیاسی از جرایم عمومی و امنیتی

### در سیاست کیفری ایران

سیدروح الله عقیق<sup>۱</sup>

#### چکیده

شکاف جرم سیاسی همواره مورد مناقشه نظام‌های مختلف کیفری و حقوق‌دانان بوده و هنوز دایره مشخصی از این جرم در نظام‌های کیفری دنیا به صورت دقیق تبیین نشده است. همین امر سبب شده که برخی از مجرمین امنیتی با تکیه بر افکار عمومی جامعه، تلاش نمایند جرائم خود را جرم سیاسی قلمداد کرده و خود را در اذهان جامعه، مستحق قرار گرفتن در رژیم ارفاقی معرفی کنند. از سوی دیگر دولت‌ها نیز با عدم جرم‌انگاری دقیق جرم سیاسی، تلاش داشته که از اعطای رژیم ارفاقی به متهمین مختلف پرهیز کنند. لذا بسیاری از قانون‌گذاران هیچ تعریف دقیق و درستی از جرم سیاسی ارائه نداده و برخی نیز صرفاً اشاره‌ای گذرا کرده‌اند. با وجود پژوهش‌های متعددی در حوزه تبیین مفهوم جرم سیاسی، تمایزات جرائم سیاسی از سایر جرائم در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است. از این رو هدف از این پژوهش، تبیین تمایز میان جرائم سیاسی با سایر جرائم با تأکید بر نظام کیفری ایران است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی با رویکرد بنیادین است و روش تحقیق توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای با تحلیل محتوای مقالات، قوانین و کتب متعدد است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که قانون‌گذار ایران با تکیه بر ضابطه ذهنی در عنصر معنوی شامل اهداف و انگیزه‌های سیاسی، عدم طمع‌ورزی و نگرش مصلحانه و با تکیه بر ضابطه عینی در عنصر مادی شامل عدم ارتکاب جرائم خشن، خیانت به کشور، جاسوسی، فقدان سوءاستفاده مالی و عدم ارتکاب جرائم رذیلانه و همچنین در عنصر قانونی با تکیه بر غیرمنصوص بودن جرائم تعزیری، اقدام به تمیز جرائم سیاسی از سایر جرائم نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** جاسوسی، جرائم خشونت‌آمیز، جرم امنیتی، جرم سیاسی، سیاست جنایی

## مقدمه

جرم سیاسی از جرائمی است که از دیرباز از سوی قانون‌گذاران مورد توجه قرار داشته و دوره‌های متناقضی را در نظام‌های حقوقی دنیا به خصوص در نظام حقوق کشورهای غربی سپری کرده است. چهار فصلی که این جرم سپری کرده، شامل دوره‌های «سرکوب و شدت عمل»، «افراط در ارفاق»، «تعادل در ارفاق» و «ادغام جرائم عمومی و سیاسی» است که «دوره سرکوب و شدت عمل» علیه مجرمین سیاسی به همه دوران پیش از انقلاب‌های اروپایی قابل اطلاق است. (زینلی، ۱۳۷۸: ۶۲) از آن دوره با عنوان دوران «شدت عمل» یاد می‌شود که جرم سیاسی از جرائم بزرگ محسوب و نگاه سخت‌گیرانه‌ای به آن می‌شد و در دادگاه ویژه‌ای محاکمه صورت می‌گرفت. در برخی از کشورها از جمله فرانسه تا قبل از انقلاب قرن هجدهم، محاکمه جرائم سیاسی به صورت غیرعلنی و ادله اثباتی آن نیز خیلی ساده‌تر از جرائم عادی بوده که آثار مجازات آن به اعضای خانواده مجرم نیز تسری می‌یافت. (حومد، ۱۹۶۳: ۱۵) در برخی از کشورها، اموال و حیوانات نیز مورد مجازات قرار می‌گرفت. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۷۰) پس از این دوران طولانی، به مرور زمان با ثبات یافتن بسیاری از کشورهای اروپایی و سپس کشورهای آسیایی، نگرش به جرائم سیاسی تعدیل یافت و به مجرمین سیاسی با نگاه اغماض آمیزی نگریده شده و به مثابه برخی از جرائم عمومی نظیر مطبوعات و... برای محاکمه آنان، دادگاه با حضور هیئت منصفه پیش‌بینی شد. گاروفالو و فری از طرفداران مکتب اثبات‌گرا، جرائم سیاسی را جرائم طبقات مظلوم علیه ظالمین می‌دانستند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۸)

در ابتدای جنگ دوم جهانی، دوران نگاه ارفاقی از صحنه سیاست کیفری کشورهای اروپایی محو شد و دوره «دوره افول ارفاق‌ها» یا «دوره تعادل در اعطای امتیازات ارفاقی» شروع شد. (زراعت، ۱۳۷۷: ۱۲)

کشورهای اروپایی با پایان جنگ دوم جهانی میان جرائم علیه وطن، نظیر خیانت، جاسوس و جرائم علیه دولت حاکمه نظیر شورشی و انقلابی، تفکیک قائل شدند و «با پیدایش جنگ سرد و دوقطبی شدن جهان به شرق و غرب، شدت عمل در خصوص



جرائم سیاسی فزونی یافت و با افزایش اقدامات تروریستی و پیدایش کودتاهای نظامی در برخی از کشورها، حمایت‌ها از مجرمین سیاسی حذف گردید. (پیوندی، ۱۳۸۲: ۶۰-۶۱) در قرن بیستم برخی جرائم سیاسی، عمدتاً جرائم علیه امنیت خارجی کشورها، عنصر اخلاقی خویش را بازیافته و کیفرهای سخت بازگشته‌اند. علاوه بر این، رویه انگلیس، آلمان و فرانسه در تعامل با مرتکبان این قبیل جرائم، جنبه مدیریتی و کنترلی یافته و برخورد ملاطفت‌آمیز و نرم با این قبیل از مجرمان، به استفاده از شیوه‌های پیشگیرانه و تنظیم‌کننده تغییر یافته است. (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۹۵) در این بین بیشتر دولت‌ها به بهانه امنیتی بودن فعالیت‌های سیاسی در پی قلع و قمع کردن جنبش‌های سیاسی بوده و مجرمین به خصوص در جرائم امنیتی، تلاش داشتند که برای برخورداری از رژیم ارفاقی یا برخورداری از حس ترحم مردم که باعث ایجاد فشار روانی از پایین (بدنه جامعه) به بالا (حاکمیت) می‌گردد، خود را مجرمین سیاسی معرفی نمایند. از این رو لزوم مطالعه و تفکیک جرائم سیاسی از سایر جرائم، به خصوص جرائم امنیتی از ضرورت و ویژگی خاصی برخوردار است.

تاکنون پژوهش‌ها، کتب و مقالات متعددی در حوزه جرائم سیاسی نگارش شده که می‌توان به کتبی نظیر بررسی تطبیقی جرم سیاسی نوشته سید محمد اصغری، جرم سیاسی نوشته غلامرضا پیوندی، جرم سیاسی نوشته عباس زراعت، مطالعه تطبیقی جرم سیاسی نوشته علی محمدی جورکویه و بررسی فقهی و حقوقی جرم سیاسی نوشته مهین جوانمردچیان و نگارش پایان‌نامه‌هایی مانند مطالعه تطبیقی جرائم سیاسی و آیین دادرسی آن در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر نوشته رسول پیله، نظریه یگانگی جرائم سیاسی و مطبوعاتی رساله دکترای حقوق عمومی آقای قدرت الله رحمانی در دانشگاه شهید بهشتی و بررسی جرم سیاسی در حقوق جزای ایران نوشته صفرعلی نجف زاده و مقالاتی نظیر جرم سیاسی منفی: درآمدی بر نگرشی نوبه معنای جرم سیاسی نوشته منوچهر توسلی نائینی، مطالعه تطبیقی تحول مفهوم جرم سیاسی در حقوق ایران و غرب نوشته قدرت الله رحمانی، بررسی جرم سیاسی در ایران با تأکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵ نوشته نهال زندیان و قانون جرم سیاسی

مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد نوشته داود کرمی و... اشاره کرد. همه این پژوهش‌ها به ابعاد متنوع جرم سیاسی از تطبیق آن با نظام‌های مختلف حقوق کیفری یا فقه یا تحلیل و توصیف قانون جرم سیاسی پرداخته‌اند. مع الوصف با وجود آنکه حجم قابل توجهی پژوهش در این حوزه صورت گرفته، بررسی تمایزات میان این جرائم با سایر جرائم، مورد مذاقه و ریشه‌یابی قرار نگرفته است.

### ۱. مفهوم جرم سیاسی

جرم سیاسی از مفاهیم سیالی است که با وجود آنکه کنفرانس‌های متعددی از جمله کنفرانس ۱۹۲۷ ورشو، کنفرانس ۱۹۳۰ بروکسل، کنفرانس ۱۹۳۱ پاریس، کنفرانس ۱۹۳۲ مادرید، ۱۹۳۵ پاریس و کنفرانس ۲۱ اوت ۱۹۳۵ کپنهاگ برای شناسایی و تعیین حدود و ثغور آن برگزار شده؛ (نجف زاده؛ ۱۳۸۰: ۲۷) اما تا کنون تعریف دقیق و مشخصی از آن ارائه نشده است. برخی از حقوق‌دانان، دایره آن را چنان وسیع گرفته‌اند که شامل تمامی جرائم امنیتی شده و برخی نیز آن را چنان مضیق گرفته‌اند که صرفاً به عنوان اقدامات خیرخواهانه در درون یک حاکمیت تعریف شده است. تعریف جرم سیاسی به حدی پیچیده است که عده‌ای تعریف آن را محال می‌دانند. (ساریخانی، ۱۳۸۴: ۲۳) در این بین می‌توان سه دلیل برجسته برای تعریف ناپذیری بزه سیاسی بیان کرد: الف. عدم امکان ارائه تعریف از واژگان میان‌رشته‌ای حقوقی و کیفری مانند عدالت، سیاست، نظم و امنیت است. البته این دلیل ویژه بزه سیاسی نیست؛ ب. پوشیدگی و ناروشنی جایگاه جرم سیاسی است؛ یعنی روشن نیست که بزه سیاسی ناظر به رفتار یا موضوع جرم است؛ چ. سنجۀ جداسازی این بزه بر پایه رکن روانی است. این بزه بیشتر بر پایه آهنگ و انگیزه مرتکب شناخته می‌شود و قصد و انگیزه مرتکب، چون هم پویا و دگرگون پذیر است و هم تشخیص ناپذیر، نمی‌تواند سنجۀ تعریف یک جرم باشد. (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۲۰)

با این وجود جرم سیاسی را جرائم مربوطه به تشکیلات مملکتی می‌دانند (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۵۰) که موضوع منحصر و واحد آن تخریب یا تغییر یا تزلزل یک یا چند



عنصر از عناصر نظام سیاسی باشد. (مدنی، ۱۳۶۹: ۳) آدلف پرینس بلژیکی، جرائم سیاسی را شامل جرائمی می‌داند که منحصرأً علیه نظام یک کشور باشد. (همان: ۳۱۲) هرگاه رفتار بزهکار به سازمان و شیوه کار قوای عمومی اعم از منافع سیاسی دولت و حقوق سیاسی شهروندان آسیب و گزند وارد کند، سیاسی است. (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱) پرفسور لیت نیز آن را از اعمال قابل مجازاتی می‌داند که علیه حقوق سیاسی جامعه یا افراد صورت گرفته باشد. (اصغری، ۱۳۷۸: ۳۴)

جرم علیه شخصیت دولت یا جرم ضد شخصیت کشور یا مخالفت نظم سیاسی داخلی یا خارجی کشور یا بر ضد وظیفه دولت و تشکیلات آن و تغییر رژیم مملکت باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۱۹۲) برخی دیگر نیز آن را جرمی می‌دانند که به تشکیلات اجتماعی زیان وارد کند (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۳۳) و به معنای اخص، جرمی است که مخالف نظم سیاسی خارجی یا داخلی کشور باشد. (همان: ۱۹۲) برخی نیز معتقدند که باید آن دسته از جرائم که از سوی دولتمردان بر ضد شهروندان ارتکاب می‌یابد، به‌سختی مجازات شوند و نباید آن‌ها را در زیر جرائم سیاسی نهاد تا مرتکبین آن‌ها بتوانند از مزایای بزه سیاسی بهره‌مند گردند. (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

بیشتر قانون‌گذاران به واسطه اختلافات عمیق و جدی که در معنا و مفهوم جرم سیاسی وجود دارد، معمولاً از تعریف آن پرهیز داشته و ترجیح داده‌اند با سکوت از کنار تعریف آن بگذرند. در این بین برخی از کشورها مانند انگلستان و اسپانیا، اصلاً به جرم سیاسی پرداخته و در قوانین خود تعریف از آن ارائه نکرده‌اند. (اصغری، ۱۳۷۸: ۲۲) از طرف دیگر نیز برخی کشورها مانند آلمان و ایتالیا تعریف کاملی از جرم سیاسی ارائه نموده‌اند. این اختلاف در معیارهای ارائه شده برای جرم سیاسی نیز قابل مشاهده است. برخی معیار جرم سیاسی را انگیزه مرتکب و برخی نوع بزه ارتكابی دانسته‌اند. برخی دیگر مانند ایتالیا، لبنان و سوریه نیز نظریه مختلف که مرکب از نظریه ذهنی و عینی را پذیرفته‌اند.

## ۲. عنصر روانی جرم

اولین وجه تمایز جرائم سیاسی از سایر جرائم از جمله جرائم امنیتی را می‌توان در عنصر روانی جرم جستجو نمود. قدیمی‌ترین معیار، ضابطه شخصی یا ذهنی است؛ اما این ضابطه با ابهاماتی مواجه است که آن‌ها اشاره می‌شود، ولی با وجود تمامی نقصان‌ها در تعریف جرم سیاسی با تکیه بر عنصر روانی، باید پذیرفت که مجرم سیاسی دارای عنصر روانی متفاوت از سایر بزه‌کاران است. مجرمین سیاسی در واقع خود را اصلاح‌گران جامعه می‌دانند و تلاش دارند جامعه‌ای بهتر را برای خود و دیگران ایجاد نمایند. از این رو باید عنصر روانی را از مؤلفه‌های وجه تمایز جرم سیاسی دانست، ولی این مسئله به واسطه سیال بودن خود جرم سیاسی، دچار ابهامات جدی است، چه بسا تروریست‌هایی که برای خود رسالت پیامبرگونه‌ای ترسیم و با خلوص نیت دست به عملیات انتحاری و ایذایی می‌زنند. لذا برای تمیز این قبیل جرائم از مجرمین سیاسی، علاوه بر عنصر روانی، باید تفاوت‌های دیگری نیز در عنصر مادی جستجو کرد.

### ۲-۱. اهداف و اغراض سیاسی

هر جرم عمومی مصرح در قانون جزا، هرگاه با انگیزه خاص سیاسی همراه شود، جرم سیاسی به وجود می‌آید. در نظریه ذهنی یا مفهوم شخصی، شخص مجرم و هدف او و نه جرم و اثری که به جای می‌گذارد، ضابطه قرار می‌گیرد. (کرمی و کرامتی معز، ۱۳۹۵: ۲۰۷-۲۰۹) مطابق مقدمه قانون استرداد مجرمین فرانسه، «ارتکاب جرم معلول هیجان ناشی از نوعی عقیده سیاسی بوده یا از انگیزه سیاسی فاعل آن حاصل شده باشد». (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۳۹) صرف داشتن انگیزه سیاسی در تقیید جرم سیاسی کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا دایره جرم سیاسی را چنان گسترده می‌سازد که شامل تمامی جرائم می‌شود و از سوی دیگر با توجه به آنکه عنصر روانی امری درونی است، ابهامات جدی را در مقام اثبات جرم ایجاد می‌کند.



## ۲-۲. عدم طمع‌ورزی و منافع فردی

این مسئله در کنفرانس بین‌المللی وحدت حقوق جزا در کپنهاک در سال ۱۹۳۵م. نیز مورد توجه قرار گرفت و قیودی بر عنصر روانی جرم سیاسی اضافه شد. لذا جرم سیاسی، جرمی شناخته شد که هدف ارتکاب جرم، خودخواهی یا منفعت شخصی نباشد. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۵۵۰) دلیل توجه افکار عمومی نسبت به مجریان سیاسی و رفتار معتدل با آن‌ها، این است که مجرمان سیاسی بر خلاف سایر مجرمان، تحت تأثیر اغراض شخصی و احساسات غیرانسانی حرص و آز و انتقام و حسادت و امثال آن نیستند. (میلانی و اردکانی ارجمند، ۱۳۹۴: ۳۱) بزهکار سیاسی همچون بزهکار عادی از روی خواست بد و آهنگ شیریرانه به بزه دست نمی‌یازد و وارونه آن، بیشتر با انگیزه شرافتمندانه و با آهنگ پیشرفت جامعه یا بهبودی کارها، قانون را زیر پا می‌نهد. از این رو است که بیشتر مردم چنین کسانی را بزهکار واقعی نمی‌دانند و گاهی نیز پارافراتی نهاده و آن‌ها را الگوی خویش می‌سازند. (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

## ۲-۳. نیت شرافتمندانه

برخی از محققین در جرم سیاسی تعریف ایجابی را جایگزین تعریف‌های سلبی نموده و برای ترسیم ایجابی مجرمین سیاسی تلاش کرده‌اند. از این رو برخی معتقدند که در جرم سیاسی، انگیزه انسانی و نوع دوستانه وجود دارد. لذا مجازات آن‌ها سبک‌تر است.

## ۲-۴. نگرش مصلحانه (غیر براندازانه)

محققین برای تبیین بهتر تمایزات جرائم سیاسی از سایر جرائم به خصوص جرائم امنیتی، معیارهای ذهنی دیگری را نیز بر شمرده و با اضافه کردن قیود بیشتری به تعریف جرم سیاسی، آن را محدودتر نموده‌اند که این نگرش محل اختلاف است. در تقسیم‌بندی، جرائم در دو بخش درون و برون سیستمی قابل احصا است در جرائم درون سیستمی، مجرم بدون قصد ضربه‌زدن و مقابله با اصول و چهارچوب‌های اصلی

کشور، نگرش مصلحانه دارد. در این نگاه که منطبق با معیار فقهی است مجرمین درون سیستمی قابل حمایت و مجرمین برون سیستمی غیر قابل حمایت هستند.

### ۳. عنصر مادی جرم

عنصر مادی جرائم، اصلی‌ترین عامل تقسیم‌بندی جرائم است. ارائه تعریف و حدود مشخصی برای عنصر مادی جرائم سیاسی می‌تواند، تعریف دقیق‌تری را از این جرائم ارائه نماید. برخی از محققین، جرائم سیاسی را از سنخ جرائم مطبوعاتی دانسته و معتقدند که جرائم مطبوعاتی از رایج‌ترین جرم سیاسی، محسوب می‌گردد. با این نگرش می‌توان عنصر مادی جرائم سیاسی را به‌مثابه عنصر مادی جرائم مطبوعاتی، محدود به یک سری از عناصر مادی خاص دانست. با این وجود هنوز محدوده دقیقی برای عنصر مادی جرم سیاسی که مورد وفاق لاقفل جمع زیادی از محققان باشد، تدوین نشده و بیشتر محققین با نگاه سلبی تلاش داشته‌اند برخی از اقدامات را از زمره عنصر مادی جرم سیاسی خارج نمایند.

#### ۳-۱. عدم ارتکاب جرائم خشن

مجرمین سیاسی در واقع مجرمین یقه‌سفیدی هستند که برای ایجاد اصلاحات در راستای پیشرفت بهتر کشورشان کوشش می‌نمایند. از این رو مورد رأفت دستگاه قضایی بوده و مقننین نیز برای آنان قوانین خاصی را وضع نموده‌اند. حال اگر فردی با عاریه گرفتن این هویت، به جرائم خشن مبادرت ورزد و اصلاح جامعه را در رهگذر اقدامات خشونت‌آمیزی که به مال و جان مردم آسیب می‌رساند، جستجو نماید، طبعاً جامعه دیگر نگاه رحمت‌آمیزی به او نداشته و او را از زمره مجرمین سیاسی جدا می‌نماید. افراد اگرچه با انگیزه و هدف سیاسی و شرافتمندانه، مرتکب جرائم خشن شوند، با واکنش منفی جامعه همراه می‌شوند، چراکه ارتکاب چنین جرائمی با اهداف مزبور ناسازگار است. روشن‌ترین ملاکی که برای تمایز میان جرائم سیاسی با سایر جرائم می‌توان بر آن تکیه کرد غیر خشونت‌آمیز بودن این جرائم است. (کوشکی و علیزاده سرشت، ۱۳۹۴: ۱۱۴)





امروزه بیشتر رفتارهای خشن خصوصاً جرائم علیه افراد بی‌گناه به بهانه‌های سیاسی از قلمرو جرم سیاسی حذف شده است. (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۴) بلژیک و فرانسه با انعقاد قرارداد استرداد در سال ۱۸۵۶م. این عنوان مجرمانه را از زمره جرائم سیاسی خارج ساختند و از آنجا که قرارداد مذکور نخستین متن قانونی بود که سوءقصد به حیات افراد را صریحاً از عداد جرائم سیاسی خارج کرد که به شرط بلژیکی معروف گردید. (زینلی، ۱۳۷۸: ۱۵۹) قانون‌گذار فرانسه نیز در قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹م. سوءقصد به جان افراد را صریحاً از عداد جرائم سیاسی خارج کرد. (علی‌آبادی، ۱۳۸۵، ۳: ۵۵) دیوان عالی فرانسه اعلام کرده که تهدیدهای صورت‌گرفته علیه شهروندانی که مأمور خدمات عمومی‌اند، تخریب اشیای مورد استفاده عموم و نیز اعمال خشونت علیه اشخاص هرچند با انگیزه سیاسی، نمی‌توانند مصداقی از جرائم سیاسی باشند. علاوه بر این در برخی از آرای ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز را با وجود انگیزه سیاسی بی‌تأثیر دانسته است. (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

قانون‌گذار ایران تا قبل از قانون جرم سیاسی، به صورت پراکنده برخی از جرائم خشن از جمله کشتار جمعی و سوءقصد به حیات رئیس دولت یا نسبت به حیات یکی از اعضای خانواده او را از زمره جرائم سیاسی خارج دانسته بود؛ اما قانون‌گذار جمهوری اسلامی ابتدا در ماده ۱۵ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ برخی از این جرائم از جمله قیام علیه جمهوری اسلامی به هر نحو، اعمال زور مسلحانه برای به دست آوردن امتیازات فردی یا گروهی در محیط اداره و قاچاق اسلحه و مهمات را در زمره جرائم سیاسی و نظامی دانست؛ اما کلی بودن عنوان سیاسی و نظامی سبب شد که محاکم به این قبیل جرائم نگاه سیاسی نداشته باشند و آنان را تحت عناوین دیگری دادرسی نمایند. این نگرش بعدها اصلاح شد و به صورت پراکنده از جمله در ماده ۱۱ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۳۶۳ و ماده ۳۱ قانون موافقت‌نامه همکاری‌های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران

و دولت کویت مصوب ۱۳۸۴، برخی از جرائم خشن از جمله تبعیض نژادی شامل قتل عضو یا اعضا یک گروه و یا گروه‌های نژادی، وارد کردن صدمات شدید روحی و جسمی بر یک گروه یا گروه‌های نژادی به وسیله نقض آزادی یا حیثیت آن‌ها یا شکنجه کردن یا انجام رفتار و مجازات ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی در مورد آنان، جرائم تروریستی و قتل عمد را از زمره جرائم سیاسی خارج نمود. بعدها نیز در ماده ۴ لایحه بخش تعزیرات ق.م.ا که در اردیبهشت ۱۳۸۷ در جلسه مسئولان عالی قضایی تصویب شد، بر غیر خشن بودن جرائم سیاسی تأکید شد. تبصره یک لایحه مذکور نیز از باب تسبیب بروز خشونت از جانب سایر افراد را نیز مورد توجه قرار داده و اشعار داشت: «چنانچه هر یک از رفتارهای فوق منجر به خشونت از سوی دیگران شود، مرتکب جرم سیاسی به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد».

### ۲-۳. عدم خیانت به ملت و کشور

جرم سیاسی در تعریف کلی، شامل محدوده گسترده‌ای از جرائم می‌گردد. اگر قائل به تعریف جرم سیاسی به هر جرمی که مستقیماً علیه حکومت انجام شود باشیم، چاره‌ای جز پذیرش جرائم جاسوسی و خیانت به کشور (جرائم علیه امنیت خارجی)، به‌عنوان جرم سیاسی نمی‌باشد. در این فرض، دیگر جرم‌انگاری مستقل جاسوسی و خیانت به کشور معنا و مفهومی نداشته و صرفاً باید تحت عناوین جرم سیاسی جرم‌انگاری شود. این در حالی است که حفظ موجودیت و امنیت خارجی کشور و مبارزه با بیگانه پرستی، دولت‌ها را وادار ساخته تا برای مبارزه با جاسوسی و خیانت به کشور و جلوگیری از افشای اسرار مملکتی، مجازات‌های شدیدتری را پیش‌بینی کنند. از این رو در فرانسه جرائم علیه امنیت خارجی کشور که به‌عنوان بخشی از جرائم سیاسی محسوب می‌شدند، از زمره این نوع از جرائم خارج و برای آن مجازات اعدام پیش‌بینی شد. (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۱۱)

در واقع یکی از اصلی‌ترین استثنائات به جرم سیاسی، جرائم جاسوسی و خیانت به کشور است که از جانب حقوق‌دانان بر استثنا شدن در اختیار گذاشتن اسناد مهم و سری کشور به بیگانگان نیز تأکید شده است. (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۴۰۵)



قانون‌گذار ایران نیز تلاش داشته بر این مسئله توجه نماید، از این رو معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری، در ماده ۲ پیش‌نویس پیشنهادی لایحه قانونی جرائم سیاسی و نحوه رسیدگی به آن، برخی موارد را به‌عنوان مصادیق جرم سیاسی تعریف نمود و آن را مقید به عدم مصداق جاسوس بودن نمود. در مصوبه مجلس ششم نیز که در نهایت از سوی شورای نگهبان تأیید نگردید، مشابه طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی، به افشا و انتشار اطلاعات طبقه‌بندی شده اشاره شد که اگرچه از جرم جاسوسی تمایزاتی دارد، ولی تشابهات نزدیکی نیز با آن دارد.

جرم سیاسی چه با نیت خیرخواهانه و چه با نیت کسب قدرت و جاه‌طلبانه، محدود به جرایمی می‌شود که رنگ و بوی خیانت به کشور در آن متصور نباشد. اگرچه در دنیای امروز، دولت‌ها، از اپوزیسیون‌های سیاسی رقبای خود حمایت می‌نمایند و جریانات مذکور نیز در تلاش هستند که برای کسب قدرت و کنارزدن حکومت فعلی کشور خود، از همه حمایت‌ها بهره‌مند شوند، ولی مرسوم بودن این امر، سبب خارج شدن آن از اعمال مذموم و نابهنجار جامعه نمی‌گردد. هیچ جامعه‌ای نمی‌پذیرد که عده‌ای ولو به دلایل خیرخواهانه، به مردم و ملت خود پشت کرده و از کشورها و دول بیگانه استمداد بطلبند و منافع ملت و کشور از جمله استقلال به مخاطره اندازند. قانون‌گذاران، این قبیل جرائم را از زمره جرائم سیاسی نمی‌دانند. کشورهای لبنان و سوریه نیز به‌صراحت جرایمی مانند علیه امنیت خارجی، جاسوسی، خیانت و... را از عداد جرائم سیاسی استثنا کرده‌اند.

با این وجود قانون‌گذار جمهوری اسلامی در سال‌های آغازین انقلاب، در ماده ۱۵ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ برخی از این جرائم را از جمله ارتباط جاسوسی با دول بیگانه یا سازمان‌های جاسوسی خارجی (از زمره جرائم مربوط به قبل از انقلاب اسلامی) و عضویت در سازمان‌های جاسوسی علیه نظام جمهوری اسلامی و یا جاسوسی و کسب اطلاعات محرمانه به نفع دول بیگانه یا گروه‌های داخلی که فعالیت آن‌ها ممنوع اعلام شده، از بین بردن یا اختفای غیرمجاز مدارک و اسناد دولتی اعم از

مجرمانه و غیر آن مربوط به قبل یا بعد از انقلاب اسلامی از زمره جرائم مربوط به بعد از انقلاب اسلامی در زمره جرائم سیاسی و نظامی دانست که این امر در بند ح ماده ۳ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، اصلاح شد و مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جاسوسی و افشای اسرار را از زمره جرائم سیاسی خارج کرده است.

### ۳-۳. فقدان سوءاستفاده مالی

محققینی که در تعریف جرم سیاسی قید کرده‌اند که لزوماً باید با انگیزه سیاسی و خیرخواهانه انجام گیرد، (پیوندی، ۱۳۸۲: ۹۱) در واقع تلاش داشته‌اند که منافع شخصی و اهداف حقارت‌آمیز را از جرم سیاسی دور نمایند. در نگاه آنان مجرم سیاسی بیشتر با انگیزه شرافتمندانه و به دور از اغراض و مقاصد شخصی و سودجویانه و مبتنی بر تحصیل منافع نامشروع و سطحی و غیرانسانی مرتکب جرم می‌شوند و افرادی تحصیل کرده و برخوردار از فرهنگ والا هستند که معمولاً با انگیزه‌های پست و مادی، دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند. مجرمین سیاسی به لحاظ قصد و اراده مجرمانه و توجه و آگاهی نسبت به عمل مجرمانه و غیرقانونی بودن آن نه تنها با مجرمان دیگر تفاوتی ندارند، بلکه شاید گاه در این زمینه از قصد مجرمانه و تعهد آگاهانه بیشتری نسبت به انجام عمل مزبور به‌عنوان یک عمل مجرمانه برخوردار باشند. با این وجود تفاوت قائل شدن برای مجرمین سیاسی به‌واسطه انگیزه شرافتمندانه و انسانی و مطابق با هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی در مقایسه با انگیزه‌های پست و غیرانسانی، قابل درک است. از همین رو است که جرم سیاسی با وجود عدم تفاوت چشمگیر در قصد و اراده مجرمانه (عنصر معنوی) با سایر جرائم، جایگاه خاصی در میان سایر جرائم به خود اختصاص داده است.

مؤسسه حقوق بین‌المللی در سال ۱۸۹۲م. جرائم مرکب و مرتبط با جرم سیاسی که شامل دزدی‌های شدید مخصوصاً دزدی مسلحانه یا با آزار است را از زمره جرائم سیاسی مستثنی نمود. (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۲۰۳) بند الف ماده ۲۱ قانون مجازات عراق نیز جرائم علیه شرف مثل سرقت، اختلاس، تزویر، خیانت در امانت، رشوه و... را از زمره جرائم سیاسی مستثنی کرده است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی نیز در ماده



۳ قانون جرم سياسي مصوب ۱۳۹۵، مباشرت، مشاركت، معاونت و شروع به سرقت و غارت اموال، رشاء و ارتشا، اختلاس، تصرف غيرقانوني در وجوه دولتي، پول شويي، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور را از زمره جرائم سياسي خارج نموده است.

### ۳-۴- عدم ارتكاب جرائم رذيلانه

جرم سياسي با هدف اصلاح و خيرخواهانه ارتكاب مي يابد و افكار عمومي با مجرمين سياسي كه داراي انگيزه شرافتمندانه اي هستند و قصد اصلاح دارند و پاييند به منافع شخصي و مصالح و مزايای گروهی نیستند، با چشم اغماض و حتی گاهی با دیده تشويق می نگرند، ولی به مرتکبين جرائم رذيلانه با دیده تنفر و انزجار نظر می کنند. از اين رو قانون گذار جمهوری اسلامي در ماده ۳ قانون جرم سياسي مصوب ۱۳۹۵، مباشرت، مشاركت، معاونت و شروع به حمل و نگهداری غيرقانوني، قاچاق و خريد و فروش سلاح، مواد مخدر و روان گردان را از زمره جرائم سياسي خارج کرده است.

### ۴. عنصر قانوني جرم (عدم تعارض آن با جرائم منصوص ديني)

ايران طی قرون گذشته یکی از کشورهای اسلامي بوده و مشابه ساير جوامع اسلامي، قوانين جزايی آن متأثر از شرع مقدس بوده و به واسطه آنکه مفهوم جرم سياسي تحت عناوين مشابهی نظير بغي در اسلام مورد توجه بوده، بدون آنکه در نظام حقوقی ايران از عنوان جرم سياسي بهره گیرد، اين جرم را تا حدودی به رسميت شناخته بود. با اين وجود در زمان قاجار، مخالفت با مجموعه دربار با اعمال وحشيانه ای از جمله مجازات همه خانواده روبرو می شد. (کرمانی، ۱۳۵۷: ۴۴۲)

بيش از صد و پنجاه سال قبل كه نظام های حقوقی در اروپا بر روی رژيم ارفاقی به مجرمين امنيتی تأکید داشت، واژه جرم سياسي با اقتباس مع الواسطه از قانون اساسی ۱۸۳۱ بلژيک، وارد قانون اساسی مشروطه شد. اين واژه اولين بار پس از مشروطيت، در نظام تقنينی ايران مورد اشاره قرار گرفت، لکن با وجود تأکید قانون اساسی مشروطه بر جرم سياسي، قانون گذار مشروطه هيچ گاه تعريف مشخصی از جرائم

سیاسی ارائه نمود و محاکم جرائم سیاسی با حضور هیئت منصفه برگزار نکردند. با تصویب قانون مجازات عمومی در ۱۳۰۴، ذیل فصل دوم (در مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی)، در مواد ۸۲ و ۸۳، برخی از جرائم وزرا، نمایندگان، صاحب‌منصبان و مأمورین دولت جرم‌انگاری شد. قانون محاکمه وزرا و هیئت منصفه نیز در ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۷ مصوب شد که در آن جرائم نخست‌وزیر و وزرا که در حوزه کاری آنان ارتکاب می‌یابد، جرم‌انگاری شد. در ماده هشتم آن نیز بر حضور هیئت منصفه در این جرائم تأکید شده است. بررسی قوانین دوران مشروطه گویای آن است که صرفاً برخی از جرائم مطبوعاتی و همچنین برخی از جرائم مسئولین و حاکمان از زمره جرائم سیاسی محسوب می‌شد.

با سقوط رضاشاه و آزادی زندانیان مغضوب حکومت بنا بر فرمان عفو عمومی در روز ۲۷ شهریور ۱۳۲۰ و سپس با تصویب قانون عفو محکومین سیاسی و عادی در مهر آن سال، شماری از عناوین مجرمانه مندرج در قوانین، مصداق جرم سیاسی محسوب شد. سال‌های ابتدایی پهلوی دوم، فضای تنفسی را برای جرائم سیاسی فراهم ساخت، لکن با قدرت گرفتن مجدد شاه، به‌خصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد، فضای سیاسی کشور متفاوت شد و به‌مرورزمان، برخورد با مجرمین سیاسی در دوران پهلوی شدت عمل خاصی یافت و با تصویب قانون سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) در سال ۱۳۳۶، رسیدگی به جرائم سیاسی از صلاحیت دادگاه‌های عمومی اخذ و در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار گرفت.

با پیدایش انقلاب اسلامی، مجرمان سیاسی که تشکیل‌دهندگان نظام نوپای جمهوری اسلامی شده بودند، نگاه ترحم‌آمیزی به جرم سیاسی داشتند، لذا قانون‌گذار در اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار عادی را ملزم به تعریف جرم سیاسی کرده و مشابه با اصل ۷۷ و ۷۹ متمم قانون اساسی مشروطیت، دادرسی جرم سیاسی را علنی و با حضور هیئت منصفه دانست که این توجه بیانگر رویکرد حمایت‌گرایانه از متهمین سیاسی و پذیرش اصل اختلاف آرا و تفاوت عقاید سیاسی است.



با وجود توجه قانون اساسی به جرم سیاسی و تکلیف مقنن به بیان حدود و تعریف آن، قانون جرم سیاسی با یک تأخیر ۳۷ ساله از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسید. اگرچه طی این سال‌ها تلاش‌های مختلفی برای تدوین این جرم از جمله پیش‌نویس معاونت پارلمانی وزارت دادگستری، پیش‌نویس کمیسیون حقوق بشر اسلامی، پیش‌نویس لایحه جرائم سیاسی مصوب ۱۳۷۸/۵/۱۲ مسئولین قضایی، طرح مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۸۰/۸/۳ و... برای تعریف و ارائه حدود جرم سیاسی صورت گرفت که به سرانجام نرسید، چرا که برخی از جرائم امنیتی مانند جاسوسی و جرائم خشونت‌آمیز مانند سوءقصد به جان افراد، در زمره مصادیق جرم سیاسی قرار گرفته بودند.

در این بین برخی قوانین از جمله قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و قانون فعالیت احزاب و... به صورت گذرا به برخی از مصادیق جرم سیاسی اشاره داشته‌اند که در برخی از آن‌ها، دایره جرم سیاسی چنان وسیع گرفته شد که شامل تمامی جرائم امنیتی گردید و در مواردی نظیر قانون موافقت‌نامه همکاری‌های حقوقی و قضایی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصیه و جزایی بین دولت ایران و کویت نیز چنان دایره مضیق گرفته شد که مبادرت به توهین نسبت به رؤسای دو کشور را از دایره جرائم سیاسی خارج گردید که این امر بیانگر عدم تقنین متوازن، با سیاست واحد در خصوص جرائم سیاسی بود. با تمامی این تلاش‌ها مصادیق جرم سیاسی به صورت مشخص احصاء نگردید و با فقدان تعریفی جامع از جرم سیاسی، عملاً این دادرسی از این جرائم به فراموشی سپرده شد. این خلأ قانونی طی سالیان گذشته سبب شده بود که میان جرائم امنیتی با جرائم سیاسی خلط مبحث شده و بسیاری از مجرمین سیاسی با اتهامات امنیتی محاکمه و از سوی دیگر، بسیاری از مجرمین امنیتی با عنوان مجرمین سیاسی در جامعه ایران شناخته شوند.

با تصویب قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵، جرائمی نظیر نقض آزادی‌های مشروع دیگران و ایراد تهمت، افترا و شایعه‌پراکنی چنانچه به انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست داخلی یا خارجی کشور باشد،



توهین به مسئولین، توهین نمایندگان سیاسی کشور خارجی (منوط به اقدام متقابل)، نشر اکاذیب، جرائم مقرر در قوانین انتخابات (به استثنای مجریان و ناظران انتخابات) بدون آنکه مرتکب، قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب شده و مجرمین سیاسی علاوه بر آنکه مطابق با اصل ۱۶۸ قانون اساسی، محاکمه آنان علنی و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد، از ارفاقاتی نظیر احتساب نشدن تکرار جرم در بزه سیاسی، امکان بهره‌مندی از عفو عمومی و خصوصی، تسریع در اعاده حیثیت، مورد استرداد واقع نشدن، عدم به کار گمارده شدن در زندان، برخورداری می‌شوند. قانون‌گذار، در واقع با قانون یادشده اگرچه خلأ قانونی جرم سیاسی را پر نمود لکن با نگاهی به جرائم سیاسی مندرج در قوانین سایر کشورها، می‌توان مشاهده کرد که قانون‌گذار جمهوری اسلامی، از نظر مصداق برخی از جرائم نظیر فعالیت تبلیغی بر ضد نظام، گردهمایی یا راهپیمایی‌های غیرقانونی و... را از زمره جرائم سیاسی ندانسته و تنها بخشی از جرائم را حائز عنوان سیاسی دانسته است.

نظام حقوقی ایران به واسطه تطابقش با شرع مقدس اسلام، قوانین خود را منطبق با شرع و یا لاقبل غیر معارض با آن تقنین می‌نماید. این مسئله در قوانین جزایی، رویکرد جدی‌تری داشته و تلاش شده که تطبیق حداکثری میان شرع و قوانین موضوعه صورت پذیرد. این امر دست مقنن را در جرم‌انگاری جرائم محدود ساخته و به واسطه آنکه وجود هیئت منصفه در محکوم یا تبرئه کردن مجرم در شرع مقدس دیده نشده و از امور مستحذره است، دست قانون‌گذار در حوزه‌هایی که شرع صراحتاً به بیان جرم پرداخته محدود شده است. لذا قانون‌گذار جمهوری اسلامی در بند الف ماده ۳ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات را از زمره جرائم سیاسی خارج نموده است.

## ۵. تفاوت میان جرائم سیاسی با سایر جرائم

تفکیک قائل شدن میان جرائم سیاسی با سایر جرائم از زمره تحقیقات متعدد





پژوهشگران بوده است. برخی از حقوق‌دانان، تفاوت جرم سیاسی با سایر جرائم را صرفاً عنصر روانی جرم دانسته و قائل به دو تقسیم جرائم بر این اساس به جرائم عمومی و سیاسی هستند. (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۸۹) این دسته از ضابطه ذهنی برای تشخیص جرم سیاسی بهره گرفته‌اند، برخی وجه تمایز جرائم را عنصر قانونی دانسته و قائل به تقسیم جرائم به سیاسی، نظامی و عمومی هستند. (افراسیابی، ۱۳۷۶: ۳۴۰) برخی نیز تقسیم جرائم را بر اساس مجنی علیه دانسته و قائل به جرائم علیه اشخاص، اموال، مؤسسات، حاکمیت و دولت بوده‌اند. (العوجی، ۱۹۸۸: ۲۲۱)

این دسته از ضابطه مادی که در واقع موضوعی که مورد تجاوز قرار گرفته است، برای تشخیص جرم سیاسی بهره گرفته و برخی نیز با بر اساس ضابطه مرکب که ترکیبی از انگیزه ارتکاب جرم و ضابطه مادی است استفاده نموده‌اند. در این بین جرائم سیاسی و امنیتی به واسطه اینکه جرم علیه حاکمیت و حکومت است، وجوه مشترک بیشتری با جرائم سیاسی دارند، لکن جرائم سیاسی به واسطه معنای غیرشفاف و دقیق خود، دامنه مشخصی ندارد که بتوان با تکیه بر آن تمایز میان جرائم سیاسی با جرائم امنیتی را به وضوح مشخص نمود. از سوی دیگر نیز اکثر دولت‌ها از احصای جرائم سیاسی سرباز می‌زنند تا بتوانند فضای امنیتی را توسعه دهند. طرفداران توسعه فضای امنیتی با توجیه برقراری امنیت، هرگونه فعالیت علیه حاکمیت را یک جرم امنیتی قلمداد می‌کنند. از منظر آن‌ها جرم سیاسی با اقدام علیه امنیت کشور مساوی است. (میلانی و اردکانی ارجمند؛ ۱۳۹۴: ۳۰) تا پیش از انقلاب‌های فرانسه، آمریکا و روسیه و پیش از رخ دادن مشروطه در ایران، رویکرد کیفری و سیاسی به بزه و بزهکاران سیاسی به بدترین شکل ممکن بود و مرزی میان بزه سیاسی و امنیتی کشیده نشده بود و رویکردهای کیفری نسبت به همه آن‌ها یکسان بود؛ (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۱۰۹) اما با مرور زمان نگرش به جرم سیاسی دچار دگردیسی شده و مفهوم جرائم سیاسی از مفهوم جرائم امنیتی مجزا شد. اگرچه در مصداق این تغییر و تحول چندان نمود دقیقی نمی‌توان یافت و هم‌پوشانی زیادی میان این دو عنوان جرم مشهود است. با این وجود حقوق‌دانان معتقدند که میان این دو جرم،



تفاوت‌های جدی وجود دارد. تمایز میان جرم سیاسی با سایر جرائم از جمله جرائم امنیتی را می‌تواند در هر سه عنصر روانی، قانونی و مادی جرم جستجو کرد، ولی در عنصر قانونی به‌واسطه آنکه در حوزه اختیار قانون‌گذاران است، تمایزات تقنینی قانون‌گذاران کشورهای مختلف، سبب عدم ایجاد ملاک و معیار واحدی برای تمییز این دو جرم شده است. از این رو باید تمایز این دو نوع جرم را در عنصر روانی و مادی جرم جستجو نمود.

### نتیجه‌گیری

سیال بودن مفهوم جرم سیاسی و عدم شاخصی دقیق در تفکیک این جرائم از سایر جرائم در کنار تلاش دولت‌ها برای مجازات مجرمین سیاسی بدون رژیم ارفاقی و همچنین تلاش مجرمین عمومی و امنیتی برای بهره‌گیری از این رژیم‌های ارفاقی با سیاسی دانستن جرمشان، از زمره عوامل اصلی ابهامات جرم سیاسی در نظام‌های حقوقی کشورها بوده است. با وجود پژوهش‌های متعددی که در این حوزه صورت گرفته، تمایزات و شاخص‌های اصلی فاصله‌گذاری میان این جرائم در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. تاکنون پژوهش‌ها، کتب و مقالات متعددی در حوزه جرائم سیاسی نگارش شده که جملگی به ابعاد متنوع جرم سیاسی از تطبیق آن با نظام‌های مختلف حقوق کیفری یا فقه یا تحلیل و توصیف قانون جرم سیاسی پرداخته‌اند. مع الوصف با وجود آنکه حجم قابل توجهی پژوهش در این حوزه صورت گرفته، بررسی تمایزات میان این جرائم با سایر جرائم، مورد مذاقه و ریشه‌یابی قرار نگرفته است.

بررسی قوانین ایران نیز گویای آن است که قانون‌گذار جمهوری اسلامی در قانون اساسی بر رژیم ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی تأکید داشته و قانون‌گذار عادی را ملزم به تدوین قانون برای تبیین جرم سیاسی نمود که این امر بیانگر رویکرد حمایت‌گرایانه نظام حقوقی ایران از متهمین سیاسی و پذیرش اصل اختلاف آرا و تفاوت عقاید سیاسی است. قانون‌گذار عادی به‌واسطه آنکه دایره جرم سیاسی با



سایر جرائم به خصوص جرائم امنیتی تمایز دقیقی نداشته و تدوین جرم سیاسی این مجال را برای مجرمین امنیتی فراهم می‌آورد که با بهره‌گیری از آن، خود را شامل رژیم ارفاقی بدانند. با وجود لوایح و طرح‌هایی در این خصوص نتوانست قانون جرم سیاسی را تدوین نماید تا آنکه پس از ۴ دهه بحث و نظر محققین، نهایتاً در اردیبهشت ۱۳۹۵ اقدام به تصویب جرم سیاسی نمود. با این وجود اولین محاکمه جرم سیاسی با فاصله ۴ ساله از تصویب این قانون، پس از بخشنامه ریاست قوه قضائیه در سال ۱۳۹۹ برگزار شد.

قانون‌گذار ایران در تبیین جرم سیاسی با نگرش درون و برون سیستمی بودن جرائم سیاسی، جرائم برون سیستمی که تمامیت کشور و هستی نظام را هدف قرار داده باشد، از دایره جرائم سیاسی خارج دانسته و صرفاً جرائم درون سیستمی که با نگاه مصلحانه و اصلاحی به نظام محقق می‌گردد را جرم سیاسی دانسته و ضمن توجه به عنصر معنوی (اهداف سیاسی، نیت شرافتمندانه و خیرخواهانه)، تمایزات قابل توجهی را میان جرائم سیاسی با جرائم عمومی و امنیتی تبیین نموده است.

تمایز اصلی میان این جرائم را در سه عنصر اصلی معنوی، مادی و قانونی می‌توان مشاهده نمود که شامل شاخصه‌های سلبی و ایجابی است. طبق ضابطه ذهنی، ذیل عنصر معنوی، شاخص‌هایی نظیر اهداف و اغراض سیاسی، عدم طمع‌ورزی و منافع فردی، نیت شرافتمندانه و خیرخواهانه و هدف مصلحانه قابل احصاء است. بر اساس ضابطه عینی نیز ذیل عنصر مادی، شاخص‌هایی نظیر عدم ارتکاب جرائم خشن، خیانت به ملت و کشور، جرائم مالی و ردیلا نه از زمره تمایزات اصلی میان این جرائم است. با تصویب قانون جرم سیاسی، تمایزات این جرائم در نظام حقوقی ایران، شامل عنصر قانونی نیز شده و به واسطه اقتباس قوانین کیفری ایران از شرع مقدس، جرائم مستوجب حد، دیات و قصاص نیز از دایره جرائم سیاسی خارج شده‌اند. قانون‌گذار جمهوری اسلامی در تقنین جرم سیاسی با دقت نظر به تبیین وجوه تمایز جرائم سیاسی، در راستای حفظ کیان امنیت کشور و جلوگیری از سوءاستفاده مجرمین امنیتی، همت گماشته است که این امر سبب گردید که دایره جرم سیاسی بسیار

مضیق گردد و انتقاد برخی از محققین را به همراه داشت که پژوهش و کارهای علمی بیشتری را در آینده در حوزه افزایش دقت تقنینی و درعین حال کاهش انتقادات علمی و نخبگانی ضروری ساخته است.



## فهرست منابع

۱. آقابابایی، حسین، (۱۳۹۰)، امنیت، آزادی شخصی و مدیریت خطر جرائم امنیتی، تحقیقات حقوقی، ضمیمه شماره ۵، زمستان: ۷۵ - ۱۱۵.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان.
۳. اصغری، سید محمد، (۱۳۷۸)، بررسی تطبیقی جرم سیاسی، تهران: اطلاعات.
۴. افراسیابی، محمد اسماعیل، (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات فردوسی، جلد اول..
۵. پیوندی، غلامرضا؛ (۱۳۸۲)، جرم سیاسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۹)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۷. جوانمرد چیانه، مهین، (۱۳۹۰)، بررسی فقهی و حقوقی جرم سیاسی، تهران: انتشارات فرهنگ‌شناسی.
۸. حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۳)، حقوق کیفری بین‌الملل، تهران: میزان.
۹. حومد، عبدالوهاب، (۱۹۶۳م)، الاجرام السیاسی، بیروت: دارالمعارف.
۱۰. رحمانی، قدرت الله، (۱۳۹۰)، نظریه یگانگی جرائم سیاسی و مطبوعاتی، رساله دکترای حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. رحمانی، قدرت الله، (۱۳۹۱)، نظریه یگانگی جرائم سیاسی و مطبوعاتی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. زراعت، عباس، (۱۳۷۷)، جرم سیاسی، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۳. زندیان، نهال، (۱۳۹۸)، بررسی جرم سیاسی در ایران با تأکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵، قانون یار، بهار، شماره ۹ (جلد دوم): ۷-۳۰.
۱۴. زینلی، محمدرضا؛ (۱۳۷۸)، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی، مطالعه تطبیقی، تهران: امیرکبیر.





۱۵. ساریخانی، عادل؛ (۱۳۸۴)، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۶. صانعی، پرویز؛ (۱۳۸۲)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: طرح نو.
۱۷. عالی‌پور، حسن و کارگری، نوروژ، (۱۳۸۹)، *جرایم ضد امنیت ملی*، تهران: خرسندی.
۱۸. علی‌آبادی، عبدالحسین، (۱۳۸۵)، *حقوق جنایی*، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: فردوسی.
۱۹. العوجی، مصطفی، (۱۹۸۸ م)، *القانون الجنایی العام (النظریه العامه المجرمیه)*، بیروت: مؤسسه نوفل.
۲۰. کرمانی، ناظم‌الإسلام، (۱۳۵۷)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۱. کرمی، داود و کرامتی معز، هادی، (۱۳۹۵)، *قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بونه نقد*، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سی و هفتم، زمستان: ۲۰۵-۲۲۰.
۲۲. کوشکی، غلامحسین و علیزاده سرشت، نادر، (۱۳۹۴)، *نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب*، پژوهش حقوق کیفری، پاییز، شماره ۱۲: ۹۹-۱۲۴.
۲۳. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۸)، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۴. مجیدی، سید محمود، (۱۳۸۶)، *تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دیوان عالی کشور بر آن در فرانسه*، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۲، نیمسال دوم: ۱۰۵-۱۲۳.
۲۵. محمدی‌جورکویه، علی، (۱۳۸۳)، *مطالعه تطبیقی جرم سیاسی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۲۶. مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۶۹)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سروش.
۲۷. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۲)، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران: میزان.
۲۸. میلانی، علیرضا و اردکانی ارجمند، غلامرضا، (۱۳۹۴)، *دامنه نفوذ تفکرات امنیت‌مدار*



در قلمروی حقوق کیفری ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱، زمستان: ۲۶-۳۳.

۲۹. نجف‌زاده، صفرعلی، (۱۳۸۰)، بررسی جرم سیاسی در حقوق جزای ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۳۰. هاشمی، محمد، (۱۳۹۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان.

